

کتاب عوبدییای نبی

مقدمه

کتاب عوبدیا کوچکترین کتاب عهد عتیق است. در مورد عوبدیا، نویسنده این کتاب، معلومات جزئی در دست است. اما این کتاب احتمالاً در ۵۸۶ ق.م. نوشته شده است.

کتاب عوبدیا که شامل ۲۱ آیه است در مورد مردم ادوم سخن می‌گوید. ادوم همسایه جنوب شرقی و دشمن دیرینه یهودا بود. مردم ادوم نه تنها بخاطر سقوط اورشلیم شادمانی کردند، بلکه دست به چور و چپاول زده به کمک مهاجمین شتافتند.

کتاب عوبدیا می‌گوید چونکه ادومی‌ها به کمک اقوام دیگر تصمیم به نابودی قوم خدا گرفته‌اند، خدا آنها را نابود خواهند کرد. اما ادومی‌ها گمان می‌کنند که دست خداوند به آنها نمی‌رسد. پاسخ خداوند به آنها این است: «اگرچه خویشتن را مثل عقاب بلند سازی و آشیانه خود را در میان ستارگان بگذاری، من تو را از آنجا فرود خواهم آورد.» (آیت چهارم)

عوبدیا به ادومی‌ها گوشزد می‌کند که تمام دنیا به خدا تعلق دارد و روزی خداوند بر آن حکومت خواهد کرد.

فهرست مندرجات:

مجازات ادوم: ۱ - ۱۴

روز داوری خداوند: ۱۵ - ۲۱

حکیمان‌ش را از بین می‌برم.^۹ جنگجویان شجاع تیمان هراسان می‌شوند و تمام سربازان ادوم بقتل می‌رسند.

دلیل مجازات ادوم

^{۱۰} بخاطر ظلمی که در حق برادرانت، یعنی اولادهٔ یعقوب کردی با رسوائی و برای همیشه نابود می‌شوی.^{۱۱} در آن روزی که دشمنان به دروازه‌های شان داخل شدند و بیگانگان مال دارائی اورشلیم را بین خود تقسیم کردند و با خود بردند، تو به یکسو ایستادی و تماشا کردی.^{۱۲} تو نباید از بدبختی برادرانت خوش شوی، در روز مصیبت قوم یهودا خوشحالی کنی و در هنگام غم و اندوه به آن‌ها بخندی.^{۱۳} تو در روز سختی قوم برگزیدهٔ من با غرور به دروازه‌های شهر داخل نشو، در روز مصیبت آن‌ها ثروت شان را غارت منما و از غم آن‌ها خوشی نکن.^{۱۴} بر سر چهار راه ایستاده نشو، تا آنهایی را که می‌خواهند فرار کنند گرفتار کنی و در آن روز مصیبت آن‌ها را به دست دشمنان تسلیم نکن.

مجازات قومها

^{۱۵} زیرا روز خداوند برای تمام اقوام نزدیک است. طبق عمل و کردارت با تو رفتار می‌کنم. آنچه را داده‌ای واپس می‌گیری.^{۱۶} قوم برگزیدهٔ من برکوه مقدس از جام تلخ مجازات نوشیدند، اما به کام اقوام دیگر تلختر از آن ریخته می‌شود. آن‌ها آن را می‌نوشند و از بین می‌روند.

خداوند ادوم را مجازات می‌کند

^۱ خداوند متعال سرنوشت آیندهٔ ادوم را در رؤیائی به عوبدیا نشان داد.

از جانب خداوند قاصدی با این پیام پیش اقوام جهان فرستاده شده است: «برای جنگ با ادوم آماده شوید!»^۲ خداوند به ادوم می‌فرماید: «من ترا در بین ملل دنیا خوار و ضعیف می‌سازم. ^۳ تکبر و غرورت ترا گمراه کرده است. تو چون بر صخره‌های بلند ساکن هستی و جایت بر فراز کوه‌ها است، بخود می‌بالی و با غرور می‌گویی: «کیست که بتواند دست دراز کند و مرا پائین آورد؟»^۴ اگر مانند عقاب در اوج آسمان پرواز کنی و آشیانه‌ات را در بین ستارگان بسازی، من ترا فرود می‌آورم.

^۵ اگر دزدی در شب بخانه‌ای وارد شود، فقط چیزی را می‌برد که به آن ضرورت دارد، و اگر انگور چین برای چیدن انگور بیاید، مقداری از انگور را بجا می‌گذارد، اما دشمنان تو ترا بکلی غارت و نابود می‌کنند.^۶ ای اولادهٔ عیسو، وقتی دشمنان بیایند، تمام ثروتت را به یغما می‌برند.^۷ متحدینت به تو خیانت کردند و ترا از کشورت بیرون راندند. کسانی که با تو در صلح بودند بر تو غلبه یافتند و دوستانی که نمک ترا خوردند برایت دام گسترده و می‌گویند: «کجاست آنهمه عقل و خرد او؟»^۸

^۸ خداوند می‌فرماید: «در آن روز ادوم را مجازات می‌کنم. تمام اشخاص دانا را از سرزمینش نابود می‌سازم و همه

پیروزی اسرائیل

می نمایند، قوم اسرائیل سرزمین افرایم و سامره را و قبیله بنیامین جلعاد را به دست می آورند.^{۲۰} تبعیدشدگان از شمال اسرائیل بر می گردند و فینیقیه را تا زرفت در قسمت شمال، متصرف می شوند. تبعیدشدگان اورشلیم که در ساردس صغیر بسر می برند، به وطن خود مراجعت کرده شهرهای جنوب را اشغال می کنند.^{۲۱} پیروزمندان به کوه صهیون برآمده، بر کوه عیسو «سرزمین ادوم» داوری می کنند و پادشاهی از آن خداوند است.»

^{۱۷} اما قوم اسرائیل بر کوه مقدس من، در صهیون، پناه می برند و آن سرزمین را که میراث اجدادشان است تصاحب می کنند.^{۱۸} خاندان یعقوب و یوسف مانند آتش، ادوم را می سوزاند و اثری از قوم ادوم باقی نمی ماند. این را من، خداوند می گویم.^{۱۹} مردم از سمت جنوب یهودا، ادوم را تصرف می کنند. اهالی جلگه های غربی، فلسطین را اشغال

